

This question paper contains 8 printed pages]

Your Roll No.....

5384

B.A. (Programme)/II

A

(I)

PERSIAN DISCIPLINE—Paper II

(Prose, Poetry and Translation etc.)

(Admissions of 2004 and onwards)

Time : 3 Hours

Maximum Marks : 75

(Write your Roll No. on the top immediately on receipt of this question paper.)

Note :— Unless otherwise required in a question, answers may be written *either* in English or in Persian or in Hindi or in Urdu; but the same medium should be used throughout the paper.

1. Translate any *two* of the following into English or Urdu or Hindi : 25

(A)

از قرن هشتم هجری تا بنگالہ، سلاطین مسلمان فرہنگ و ادب فارسی را سگار در بار خود قرار دادند۔ داستان دعوت

P.T.O.

سلطان غیات الدین بن اسکندر، بادشاه بنگاله که خواجه حافظ از شیراز برای او غزلی معروف فرستاد و او را مدح فرمود، حکایتی معروف است و نشان می دهد که در آن عصر چگونه سیه پشمان کشمیری به شعر حافظ سخن می گفتند و لولیان هند به ترانه های اومی رقصیدند. همچنین در قرن نهم خواجه محمود گادان ملک التجار وزیر دانشمند بهمدی در جنوب هندوستان از حامیان با اقتدار زبان و ادب فارسی بود.

(B)

هم در این عصر در نثر فارسی ترجمه های بنظهور رسید که فضیلتی زمان با مرپادشاه از کتب سانسکریت هندوان کتب مهمه مفیده رابه فارسی نقل نموده اند مانند ترجمه مهابهاراتا، رزم نامه معروف هندو که با مر اکبریک هیئت سه نفری مرکب از نقیب خان و عبدالقادر بدایونی و شیخ سلطان تھانیری به ترجمه آن پرداختند و همچنین رزم نامه راماینا که سرگذشت رام است، در

همان زمان به فارسی در آوردند و کتابی مشهور در فن ریاضی موسوم به "لیلاوتی" تالیف باسکارا چاریه را فیضی به فارسی ترجمه کرد.

(C)

سال ها پیش، در سرزمین ایران با مردم شجاع و پاکدامنش، پهلوانی زندگی می کرد که رستم نام داشت. در آن روزها، همه چیز به شکل عادی پیش می رفت که در سپید، می رستم از خواب بر خاست و خود را غمگین یافت. آهنگ شکار کرد، تیر و کمان و گرز و کمان برداشت و بر رخش پیل پیکر نشست و در پی شکار روانه صحرا شد. کوه و دشت در و در به آسانی و چون تند باد پشت سر گذاشت، تا به نزدیکی مرز توران رسید. او تصمیم داشت که از اسب پیاده شود، تا اندکی استراحت نماید که ناگه، گله های فراوان گورخر را دید که به او نزدیک می شدند.

2. Explain any two of the following :

20

(A)

شخصم ضعیف و دیده تر زین ریمان و زان مگر

ایک مہیا شد کمر، لاغرمیاں من کجا

ہر دم جگر در سوز و تاب، از دیده ریزم خون تاب

ایک می و ایک کباب، آن مہمان من کجا

در رفت در مہمان او، گفت آن ندایم خوان او

گر هست این و آن او، آخر از آن من کجا

من جویر آن نامہربان، دارم زخم موشی نہان

او ہم نیارد بر زبان، گوئی زبان من کجا

(B)

جنگ های او خوش ست ار آشتی را جا بود

از عتاب و ناز در آزار بودن ہم خوش است

اندک اندک گه گبی بایار بودن خوش بود

ور نیسر گرددم بسیار بودن هم خوش است

گر چه از من شیر مردی ناید اندر کوی عشق

چون سگان شهری و بازار بودن هم خوش است

با خبر بودن خوش ست اندر مقام زاهدان

بیخبر در خانه و تمار بودن هم خوش است

(C)

شب تاریک رفت و آمد روز

وہ چه روزی چون بخت من بیروز

پادشاه ستارگان امروز

از افق برون نکرده هنوز

باز شد دیدگان من از خواب

بِه از آفتاب عالم‌خواب

یک طرف ناله خردسحر

بانگ الله اکبر از یک سر

3. Rewrite the following in your own Persian : 10

هر کرا جامه ز عشقی چاک شد

او ز حرص و جمله عیبی پاک شد

شاد باش ای عشق پر سودای ما

ای طیب جمله علت های ما

ای دوای نخوت و ناموس ما

ای تو افلاطون و جالینوس ما

جسم خاک از عشق بر افلاک شد

کوه در رقص آمد و چالاک شد

4. Write a short note on any *one* of the following : 10

(a) امیر خسرو

(b) مولانا روم

(c) داستان سیاوش

5. Translate the following into Persian : 10

Once a crow was very thirsty. He flew in search of water. He reached the roof of a house. There was a pot. The water was in the pot. But the water was very little. He thought a plan. There were some pebbles near the pot. He dropped the pebbles into the pot. The water came up. The crow drank water and flew from there.

Or

ایک بار ایک کوا بہت پیاسا تھا۔ وہ پانی کی تلاش میں اڑا۔ وہ

ایک مکان کی چھت پر پہنچا۔ وہاں ایک برتن تھا۔ اس برتن

میں پانی تھا۔ لیکن پانی بہت کم تھا۔ اس نے ایک ترکیب سوچی۔ برتن کے پاس کچھ کنکر تھے۔ اس نے کنکر برتن میں ڈالے۔ پانی اوپر آ گیا۔ کوئے نے پانی پیا اور وہاں سے اڑ گیا۔

Or

एक बार एक कौआ बहुत प्यासा था। वह जल की तलाश में उड़ा। वह एक घर की छत पर पहुँचा। वहाँ एक बर्तन था। उस बर्तन में जल था। परन्तु जल बहुत कम था। उसने एक तरकीब सोची ॥ बर्तन के पास कुछ कंकड़ थे। उसने कंकड़ बर्तन में डाले। जल ऊपर आ गया। कौए ने जल पिया और वहाँ से उड़ गया।